

توجه: ضمن عرض سلام و آرزوی موفقیت برای شما، تأکید می‌شود که سوالات ذیل فقط برای آشنایی با نحوه سؤالات پایان ترم است؛ بنابراین طلاب محترم باید تمامی مطالب محدوده اعلان شده را مطالعه کنند و آمادگی پاسخگویی به سؤالات دیگر را داشته باشند.

۱. اصطلاحات زیر را به همراه مثال توضیح دهید.

دال-۴۴ به شی‌ی راهنمایی کننده که با علم به آن ذهن بلافاصله به امر دیگری منتقل می‌شود دال می‌گویند.
مثال : دود = آتش

مدلول-۴۴ به شی‌ی راهنمایی شده ، یعنی شی‌ی که به واسطه ی علم به چیز دیگر به ذهن می‌آید مدلول می‌گویند . مثال (آتش - بادیدن دود به ذهن میرسد)

دلالت عقلی-۴۴ دلالتی که منشأ آن عقل است را دلالت عقلی می‌گویند. مثال : دلالت دود بر وجود آتش یک استدلال عقلی است

دلالت طبیعی-۴۴ دلالتی که عامل آن حالت طبیعی و روانی است را دلالت طبیعی گویند. مثال: دلالت تب بر وجود عفونت

دلالت وضعی-۴۴ دلالتی که رابطه ی حکایت گری در آن مبتنی بر قرارداد و اعتبار بشری است. مثال : دلالت پرچم سیاه بر عزا و ماتم

دلالت مطابقی-۴۴ به معنای دلالت لفظ بر تمام معنای خود است. مثال : دلالت لفظ خانه بر مجموعه محیط اتاق ها و سایر قسمت های خانه

دلالت تضمنی-۴۴ به معنای دلالت لفظ بر جزء معنای خود است. مثال : دلالت کتاب بر خصوص جلد آن در ضمن معنای کل

دلالت التزامی-۴۴ به معنای دلالت لفظ بر لازم معنای خود مثال : دلالت بارندگی زیاد بر فراوانی نعمت

دلالت وضعی غیر لفظی-۴۴ دلالت رابطه ی حکایت گری مبتنی بر قرار داد اعتبار بشری بر معانی مخصوص دلالت وضعی غیر لفظی است. مثال : دلالت خطوط تابلو ها و حرکات رمزی

کلی ذاتی و کلی عرضی-۵۷

کلی ذاتی : مفهومی است که **قوام بخش به افراد و مصادیق خود است**. مانند کلی انسان ، حیوان و ناطق نسبت به علی که مصداق فرد آن است.

کلی عرضی : مفهومی است که **قوام بخش به افراد و مصادیق خود نیست**. مانند کلی راه رونده و شاعر نسبت به علی .

کلیات خمس-۵۷ **کلی ذاتی** ، یا نوع ، جنس یا فصل است و **کلی عرضی** یا عرضی عام است و یا عرضی خاص به این مجموعه **کلیات خمس** می‌گویند.

نوع-۵۷ مفهومی است کلی بیانگر **تمام ذات یا حقیقت شی‌ی** . مثال این شی‌ی طلا است . طلا تمام حقیقت آن شی‌ی است.

جنس-۵۸ مفهومی است کلی بیانگر **بخشی از حقیقت شی‌ی و اعم از آن** است. مانند مفهوم کلی حیوان نسبت به انسان و شتر

فصل-۵۸ کلی ذاتی است که یک **نوع** را از سایر انواع داخل در یک **جنس** متمایز می‌کند. مانند ناطق در جنس حیوان ، موجب امتیاز انسان.

عرض عام -۵۸ مفهومی است کلی **خارج از حقیقت شی‌ی** و در عین حال **مختص به افراد آن نیست**. مثال راه

رونده نسبت به انسان.

عرض خاص- ۵۸ مفهومی است کلی **خارج از حقیقت شیء** و در عین حال **مختص به افراد آن است**. مانند ضاحک نسبت به انسان

جنس قریب - ۵۸ جنس قریب **بلافاصله بعد از یک کلی قرار می گیرد**. ماند حیوان نسبت به انسان در زنجیره یا سلسله اجناس

جنس بعید- ۵۸ جنس بعید با **یک یا چند واسطه** در بالای **یک کلی دیگر** واقع شده است. مانند جسم نامی نسبت به انسان

فصل قریب - ۵۸ موجب امتیاز نوع ، از انواع مشارک در جنس قریب مانند ناطق نسبت به انسان

(پ ن:- توضیحات نویسنده- گفتیم جنس قریب انسان حیوان میشه ، حالا ما توی فصل قریب یه جداکننده ای تعریف می کنیم که باعث بشه انسان از حیوان جدا بشه اون چیه ؟ ناطق بودن انسان - پس فصل قریب رو میشه امتیاز خاص یک نوع از انواعی که در اون اشتراک داره در نظر گرفت)

فصل بعید- ۵۸ نوع را از انواع مشارک در جنس بعید جدا می کند مانند حساس نسبت به انسان

جنس الاجناس - ۵۸ سلسله اجناس از شمول کمتر به سوی شمول بیشتر پیش می رود. بالاترین مرتبه سلسله اجناس را **جنس عالی** یا **جنس الاجناس** می گوئیم که دارای **بیشترین شمول** است. مثال جواهر

لفظ مفرد - ۶۵ لفظی است که جزء ندارد (مانند واو از حروف عطف) یا اگر دارای جزء است ، جزء لفظ بر جزء معنا دلالت نمی کند (مانند عبدالله به عنوان اسم شخص که یک کلمه واحد محسوب می شود و اسم آن شخص عبد یا الله نیست)

لفظ مرکب - ۶۵ لفظی است که اولاً دارای جزء است، ثانیاً جزء آن دارای معناست، ثالثاً هر جزء آن قصد شده است. (مانند گل زیبا ، دارای دو جزء گل و زیبا است ، هر جزء آن دارای معنای جداگانه است و در زمان تبیین مفهوم در ذهن ما هم گل بودن و هم زیبایی را در نظر داریم)

مرکب تام - ۶۶ جمله ای که معنای آن طوری می باشد که متکلم می تواند پس از آن سکوت کند و مخاطب نیز در حالت انتظار باقی نمی ماند. مانند : او خواهد آمد.

مرکب ناقص - ۶۶ مرکبی که معنای آن ناقص است و متکلم نمی تواند به آن اکتفا کند و شنونده را در حالت انتظار رها سازد. مانند: آسمان آبی

مرکب تام خبری - ۶۶ مرکبی که از واقعیتی حکایت می کند. مثال : گل زیبا است.

مرکب تام انشائی - ۶۶ مرکبی که واقعیتی را گزارش نمی کند و فقط در مقام فهماندن معنایی مثل **پرسش ، تعجب ، درخواست ، آرزو و ...** است

مثال : آیا او خواهد آمد ؟ خدا کند که بیایی ... عجب گل زیبایی! خواهش می کنم به من درس بدهید

قضیه شرطیه- ۶۶ قضیه ای که در آن به وجود یا عدم نسبتی بین دو یا چند قضیه حکم شده باشد.

مثال : اگر باران به کوهستان نیارد ، به سالی دجله گردد خشک رودی

قضیه حملیه - ۶۶ قضیه ای که در آن به **ثبوت** چیزی برای چیزی و یا نفی چیزی از چیزی حکم شده باشد.

مثال : علی عادل است.

قضیه شخصی - ۶۷ قضیه حملیه ای که موضوع آن جزئی است. مثال : کعبه قبله گاه مسلمین است.

قضیه طبیعی - ۶۷ قضیه ای که موضوع آن کلی است و محمول به مصادیف و افراد آن تعلق ندارد. مانند : انسان نوع است. (* وجود کلیات خمس در جمله)

قضیه مهمله - ۶۷ قضیه ای که موضوع آن کلی و محمول به مصادیق آن تعلق دارد اما به تعداد افراد موضوع تصریح نشده است. مثال : انسان شاعر است.

قضیه محصوره - ۶۷ قضیه ای که موضوع آن کلی است و محمول به مصادیق و افراد آن تعلق دارد اما به تعداد افراد

موضوع تصریح شده است. «محصوره» یا «مُسَوَّرَه» می گویند. مانند: هر انسانی متفکر است.

کمّ قضیه - ۶۷ به کلیّت و جزئیّت تعداد افراد در قضایای محصوره ف اصطلاحاً « کم قضیه » می گویند.

سور قضیه - ۶۷ به الفاظی که دلالت بر کلیت و جزئیت می کند «سور قضیه» می گویند. مانند: هر ، بعضی ، هیچ

قضیه مسوره - ۶۷ قضیه ای که موضوع آن کلی است و محمول به مصادیق و افراد آن تعلق دارد اما به تعداد افراد موضوع تصریح شده است قضیه مُسَوَّرَه می گویند.

شرطیه اتصالی - ۶۸ قضیه ای است که در آن به اتصال یا عدم اتصال بین دو نسبت حکم می شود.

مانند: اگر خورشید برآید ستارگان ناپدید می شوند.

شرطیه انفصالی - ۶۸ قضیه ای است که در آن به عناد و جدایی یا عدم عناد و جدایی مقدم و تالی حکم می شود.

مانند: عدد یا زوج است یا فرد.

قضیه انفصالی حقیقه - ۶۸ قضیه ای که گسستگی مقدم و تالی در آن به نحوی است که دو طرف نه هر دو با هم جمع می شوند و نه هر دو با هم می توانند رفع شوند. مانند: عدد یا زوج است یا فرد.

قضیه انفصالی مانعة الجمع - ۶۸ عناد و جدایی مقدم و تالی در این قضیه شرطیه به نحوی است که دو طرف نمی توانند با یکدیگر جمع شوند ، هرچند هر دو با هم می توانند رفع شوند. مانند یا هر کاغذی سفید است یا سیاه.

قضیه انفصالی مانعة الخلو - ۶۸ ستیز بین مقدم و تالی در این قضیه شرطیه به نحوی است که دو طرف با هم نمی توانند رفع شوند هرچند هر دو با هم می توانند جمع شوند. مانند: مکافات عمل در دنیا است یا در آخرت.

کیف قضیه - ۶۹ به عنصر ایجاب یا سلب در قضیه اصطلاحاً « کیف قضیه » گفته می شود. (هست و نیست)

محسورات چهارگانه ۶۹ و ۷۲ با توجه به عنصر کمّ و کیف در قضیه می توان قضایای محصوره را به چهار صورت مشاهده کرد:

۱- موجه کلیه (همه ی انسان ها متفکر هستند)

۲- موجه جزئیّه (بعضی انسان ها شاعر هستند)

۳- سالبه کلیه (هیچ انسانی سنگ نیست)

۴- سالبه جزئیّه (بعضی انسان ها فقیه نیستند)

تناقض-۷۱ هرگاه دو قضیه از نظر موضوع و محمول یکسان ، ولی از نظر کمّیت و کیفیت متفاوت باشند آن ها را **متناقضین** یا دو قضیه متناقض می خوانند. از دو قضیه متناقض همواره یکی صادق و دیگری کاذب است.

تضاد-۷۳ هر گاه دو قضیه از نظر موضوع و محمول یکسان ولی یکی موجه و دیگری سالبه باشند آن ها را دو قضیه متضاد یا **متضادین** می خوانند. مانند: هر انسانی حیوان است. هیچ انسانی حیوان نیست.

عکس مستوی-۷۷ این روش عکس به معنای جا به جا کردن دو طرف قضیه بدون تغییر در کیف آن است. یعنی همواره اگر قضیه نخست صادق است قضیه دوم نیز صادق است. لازمه حفظ صدق قضیه عکس ایجاد تغییر کمّی در بعضی قضایای محصوره است.

استقراء تام- ۸۴ بررسی و مطالعه همه ی افراد یک مجموعه و عرضه ی حکم کلی را استقراء تام گویند.

مثال : همه ی دانش آموزان آن مدرسه باهوشند.

استقراء ناقص-۸۴ عبارت است از بررسی معدود و صدور حکمی کلی که شامل افراد بررسی نشده نیز می شود.

مثال :همه ی جنوبی ها مهمان نوازند.

تمثیل- ۸۴ تمثیل یا استدلال تمثیلی حجتی است که در آن حکم از یک موضوع به موضوع دیگر از طریق مشابهت بین آن دو سرایت دهند.

قیاس اقترانی-۸۷ قیاسی است که اجزای نتیجه در مقدمات آن منتشر است. مثال : حسن انسان است ، هر انسانی

فانی است. پس حسن فانی است.

قیاس اقترانی حملی-۸۷ قیاسی است که هر دو مقدمه ی آن به صورت منطقی ، قضیه حملیه باشد.

قیاس اقترانی شرطی-۸۷ قیاسی است که هر دو مقدمه یا یکی از آن دو به اعتبار ساختار صوری ، قضیه ای شرطیه باشد.

حد اکبر - ۸۸ محمول یا تالی را در نتیجه اکبر یا حد اکبر می نامند.

حد وسط - ۸۸ به لفظ یا عبارتی که در هر دو مقدمه تکرار می شود نیز وسط یا حد اوسط می گویند.

حد اصغر - ۸۸ موضوع یا مقدم را در نتیجه اصغر یا حد اصغر می نامند.

کبرا - ۸۸ در قیاس اقترانی (استدلال غیر مباشر) مقدمه دوم را کبرا می گویند.

صغرا - ۸۸ مقدمه نخست را در قیاس اقترانی (استدلال غیر مباشر) صغرا می گویند.

قیاس استثنائی - ۹۹ قیاسی است که در آن نتیجه یا نقیض آن به طور کامل در یک مقدمه قرار دارد. (اگر --- لیکن ---)

قیاس استثنائی اتصالی - ۱۰۰ قیاسی که قضیه شرطیه موجود در آن اتصالی باشد.

مثال: اگر آفریدگار عالم یکتا نباشد جهان منظم نخواهد بود لیکن جهان منظم است پس آفریدگار عالم خداوند یکتاست.

قیاس استثنائی انفصالی - ۱۰۰ قیاسی که قضیه شرطیه موجود در آن انفصالی باشد.

مثال : یا شریک خداوند موجود است و یا خداوند یکتاست لیکن شریک الباری موجود نیست ، پس خداوند یکتاست.

اصول یقینیات - ۱۰۸ تصدیقات یقینی ضروری در منطق اصول یقینیات خوانده می شوند و مبنای همه ی دانش های یقینی بشر هستند.

تصدیق یقینی بدیهی(ضروری) - ۱۰۸ تصدیقی است که بدون هر گونه تلاش فکری به دست آمده است.

تصدیق یقینی نظری-۱۰۸ آن است که از راه فکر و با استفاده از تصدیقات بدیهی حاصل آمده است.

اولیات-۱۰۸ قضایایی هستند که صرف تصور طرفین و نسبت بین آن دو برای تصدیق کافی است و نیازمند اثبات نیستند.

مشاهدات(محسوسات) - صرف تصوّر طرفین و نسبت بین آن دو برای تصدیق کفایت نمی کند بلکه انسان علاوه بر این ، از حس بیرونی (حواس ظاهری) و یا از حس درونی (وجدانیات) در تصدیق این قضایا کمک می گیرد.

مثال : آسمان آبی است. اکنون بسیار خرسندم

مجربات - ۱۰۹ علاوه بر تصور طرفین و نسبت بین آن دو محتاج به تکرار مشاهده و تشکیل قیاس خفی هستند.

حدسیات-۱۰۹ گاه انسان از راه قوه حدس بر قضیه ای وقوف پیدا کرده و آن را تصدیق می کند ، چنین قضیه ای حدسیات نام دارد. مثال : نور ماه از خورشید است.

متواترات - ۱۰۹ وقتی به سبب گزارش افراد موثق بسیار که ثبانی آن ها بر دروغ و اتفاق آنان در فهم غلط واقعه عادتاً امکان پذیر نباشد ، قضیه ای تصدیق شود ، آن قضیه را متواتر می نامند. مثال : گلستان از سعدی است.

فطریات - ۱۰۹ قضایایی هستند که قیاس آن ها همراه خودشان است. مانند: عدد چهار زوج است.

مظنونات - ۱۱۰ قضایایی که ذهن آن ها را می پذیرد اما نه با تصدیق ثابت جازم ، بلکه همواره امکان نقیض آن به ذهن می آید ولی ذهن آن را بر نقیضش رجحان می دهد. مثال : هرکس شبانه در کوی آمد و شد دارد ، قصدی دارد.

مشهورات به معنای اعم - ۱۱۰ قضایایی که مورد قبول و اعتقاد همه یا بیشتر مردم یا اعتقاد بسیاری از دانشمندان یک علم است هر چند سبب قبولی ، یقنی بودن آن باشد. مثال : تسلسل محال است. کل از جزء بزرگتر است.

وهمیات-۱۱۰ قضایای کاذبی هستند که قوه ی وهم برخلاف عقل ، آن ها را صادق و بدیهی می شمارد و موجب

اعتقاد به آن ها می شود. مثال : مرده ترس آور است. هر موجودی مکان دارد.

مسلمات-۱۱۱ قضایایی که مورد قبول مخاطب اند و به منظور ملزم کردن مخاطب به قبول نتیجه مورد نظر به کار می روند.

مقبولات-۱۱۱ قضایایی هستند که افراد موثق اجتماع مانند رهبران دینی و فکری بیان داشته اند و به همین جهت مردم بدون هرگونه استدلال آن را می پذیرند. کلمات قصار و مثل ها از جمله مقبولات اند. مثال: از محبت خارها گل می شود.

مشبهات-۱۱۱ قضایای کاذب صادق نما هستند.

۱. کاذب شبیه یقینیات و بدیهیات . مثال : انسان شیر می خورد.

۲. کاذب شبیه مشهورات . مثال : خدا نور است.

مخیلات-۱۱۱ عبارتند از قضایایی که قوه خیال را تحریک کرده و موجب انقباض و انبساط روحی در انسان ها می شوند. مثال : تشبیهات بدیع ، مبالغه های لطیف ، اغراق های ظریف . مثال: صبح انعکاس لبخند توست.

صناعات خمس-۱۱۵ استدلال غیر مباشر براساس گوناگونی مواد و نتایج : برهان ، جدل ، مغالطه ، خطابه و شعر

برهان-۱۱۶ ارزشمندترین و مفیدترین نوع استدلال ، برهان است. برهان استدلال معتبری است که فقط از مقدمات یقینی به معنای اخص تشکیل می شود و ضرورتاً نتیجه یقینی به دست می دهد.

برهان لمّی -۱۱۷ برهانی است که در آن از وجود علتّ به وجود معلول پی می برند.

مثال: این فلز حرارت دیده است ، هر فلز حرارت دیده ای منبسط است . پس این فلز منبسط است.

برهان اِتی-۱۱۷ برهانی است که در آن انتقال ذهن از وجود علت به معلول نیست . ۲ صورت دارد

۱- از معلول به علت

۲- از معلول به معلول دیگر که در علت با یکدیگر مشترک اند.

مغالطه بستن راه استدلال - ۱۲۳ در این مغالطه ، مغالطه گر ادعای خود را نفیاً و اثباتاً استدلال ناپذیر جلوه می دهد و با این ترفند رابطه اش را با استدلال قطع می کند تا کسی در پی دلیل برنیاید.

مانند: « در این موضوع عقل چندان راهگشا نیست ، اگر شما بتوانید دریچه قلب خود را باز کنید ، درستی سخنانم را خواهید یافت. »

مغالطه طلب دلیل از دیگران - ۱۳۵ شخص ادعایی را مطرح می کند و به جای آنکه بر درستی آن دلیل بیاورد ، بار برهان را بردوش مخاطب می گذارد. به نظر من اگر شما مخالفید دلالتان را بیاورید.

مغالطه منشأ - ۱۳۵ شخص در مقام نقد یک سخن شخصیت نکوهیده و بدنامی را به عنوان نخستین کسی که آن مطلب را گفته معرفی کند و از منفور بودن آن شخصیت تاریخی خطا بودن آن سخن را نتیجه بگیرد.

مغالطه توهین-۱۳۶ مغالطه گر از نقد علمی مدعای طرف مقابل عاجز است و با توهین و استهزاء چهره ی او را مخدوش می کند و ادعای او را ناپذیرفتی جلوه می دهد.

مغالطه دلسوزی-۱۳۶ مغالطه گر با ترحم و دلسوزی اعتماد مخاطب یا مخاطبان را به خود جلب می کند و از این طریق به صورت قهری در رأی آن ها تأثیر می گذارد و ایشار با به باور گزاره غلط او می دارد.

مغالطه انحراف رفتن-۱۳۷ وقتی شخصی ظریفانه با طرح موضوعی جدید ، اذهان را از موضوع اصلی منحرف کند.

۲. اصطلاحات زیر را توضیح دهید.(مثال لازم نیست)

تفکر-۲۹ تلاش ذهن برای تبدیل مجهول به معلوم

علم منطقی-۳۰ مجموعه ای از قوانین کلّی که کاربرد درست ، دقیق و ماهرانه آن ها ذهن را از خطا در اندیشه باز

می دارد.

تصور-۳۴ عبارت است از صورت (مفهوم) پدید آمده ی اشیاء در ذهن به نحوی که اقتضای حکم و اعتقادی را نداشته باشد.

تصدیق-۳۴ عبارت است از ادراک مطابق یا عدم مطابقت یک گزارش با واقع ، چنین ادراکی همواره مقتضی حکم است. مفهوم-۴۹ هر صورتی است که در ذهن وجود دارد.

مصدق - ۴۹ عبارت است از آنچه مفهوم بر آن صدق می کند.

دلالت - ۴۳ عبارت است از حالت یک شیء به گونه ای که وقتی ذهن به آن علم پیدا کرد بلافاصله به امر دیگری نیز منتقل شود.

لفظ مختص - ۴۵ لفظی که دارای معنای واحد است.

لفظ مشترک - ۴۵ لفظی که دارای معنای واحد نیست و تمامی معانی به وضع واضع است و وضعی به وضع دیگر سبقت نگرفته است.

لفظ منقول - ۴۵ لفظی که دارای معنای واحد نیست و تمامی معانی به وضع واضع است و وضعی به وضع دیگر سبقت گرفته و معنای لاحق با ملاحظه ی تناسب با معنای سابق وضع شده است.

الفاظ حقیقت و مجاز - ۴۵ لفظی که دارای معنای واحد نیست و تمام معانی به وضع واضع نیست

تعریف - ۵۲ روشن کردن تصور مجهول به وسیله ی مفاهیم و تصور های معلوم موجود در ذهن

معرف - ۵۲ (تصور معلوم) تصویری که موجب شناخت و تعریف یک شیء می شود .

معرف - ۵۲ (تصور مجهول) تصویری که می خواهیم آن را تعریف کنیم.

*** رابطه ی معرف و معرف نسبت تساوی است.

استدلال - ۷۱ تلاش ذهن برای بدست آوردن تصدیقی جدید

استدلال مباشر- ۷۱ اگر استنتاج و اکتساب یک تصدیق تنها راه یک قضیه باشد «استدلال مباشر» نامیده می شود.

موضوع- ۶۷ به جزئی که چیزی را به آن نسبت می دهیم «موضوع» می گوئیم.

محمول- ۶۷ به جزئی که به موضوع نسبت داده می شود «محمول» می گوئیم.

تقابل- ۷۱ استدلال مباشر تقابل هنگامی است که قضیه اصل و نتیجه از حیث موضوع و محمول یکسان و به لحاظ کمیّت و کیفیت و یا هر دو تفاوت داشته باشد.

عکس- ۷۷ عکس به معنای جا به جا کردن دو طرف یک قضیه است به نحوی که اگر قضیه نخست صادق باشد قضیه عکس نیز صادق باشد.

استدلال غیر مباشر- ۸۲ استنتاج یک تصدیق جدید از چند قضیه مناسب با رعایت ضوابط و قوانین منطقی

استقراء- ۸۲ حجتی است که در آن ذهن از قضایای جزئی نتیجه ای کلی می گیرد.

قیاس- ۸۵ اساسی ترین و معتبرترین شکل استنتاج در منطق که نتیجه ای همواره یقینی دارد.

مقدمتین- ۸۸ قیاس اقترانی حداقل از دو قضیه تشکیل می شود که آن ها را مقدمتین می خوانند.

شکل کامل(شکل فاضل) - ۹۴ از آنجایی که تمامی قضایای محصوره را می توان از شکل اول استنتاج کرد ، به این شکل از قیاس اقترانی شکل کامل یا شکل فاضل نیز می گویند.

مبداء استدلال - ۱۰۸ اگر ماده ای در یکی از هشت گروه «یقینیات ، مظنونات ، مشهورات ، وهمیان ، مسلّمات ، مقبولات ، مشبّهات و مخیلات » محتاج اثبات و بیان نباشد ، مبداء استدلال نامیده می شود.

ماده استدلال- ۱۰۸ اگر ماده ای در یکی از هشت گروه «یقینیات ، مظنونات ، مشهورات ، وهمیان ، مسلّمات ،

مقبولات ، مشبّهات و مخیلات « محتاج اثبات و بیان و نیازمند استدلال باشد ماده نامیده می شود.

مشهورات صرف-۱۱۰ در صناعات خمس منظور از مشهورات ، قضایایی است که تصدیق آن ها جز از طریق شهرت حاصل نمی شود.

یقین به معنای اخص-۱۱۶ استدلال معتبری که فقط از مقدمات یقینی به معنای اخص (تصدیق جازم مطابق واقع که براساس تحقیق باشد) تشکیل شود برهان نامیده می شود.

مغالطه-۱۲۲ در لغت به معنای سوق دادن شخص دیگر به غلط و نیز اشتباه کاری است و در اصطلاح عبارت است از به کارگیری روش نادرست در جریان تفکر

جدل- ۱۴۰ جدل در لغت به معنای ستیزه جویی و لجاجت ورزیدن در خصومت های گفتاری است که غالباً با کید و نیرنگ همراه است و گاهی از حدود عدل و انصاف خارج می شود، اما در اصطلاح عبارت است از صناعتی که آدمی با آن می تواند از مقدمات مسلّم و مورد قبول طرف مقابل و یا از مقدمات مشهور استفاده کرده و مطلب مورد نظر خود را اثبات یا رد کند.

سائل و مجیب - ۱۴۱ به مهاجم و کسی که با پرسش های خود می کوشد رأی طرف مقابل را در هم بریز «سائل» و به کسی که حملات مهاجم را دفع و از نظر خود دفاع می کند «مجیب» می گویند.

وضع-۱۴۱ به رأی و مدعای مجیب «وضع» گفته می شود.

موضع-۱۴۱ قواعد و اصولی کلی در جدل وجود دارد که می توان قضایای مشهور متعددی را از آنها استخراج کرد و به این قواعد و اصول کلی «موضع» می گویند.

۲. الف) موضوع منطق چیست؟ منطق عبارت است از : ارائه روش درست تلاش ذهن برای تبدیل مجهول به

معلوم. ص ۳۱

ب) علت احتیاج انسان به منطق چیست؟ راز احتیاج انسان به منطق ، یافتن روشی برای جلوگیری از

خطای در اندیشه است. ص ۳۲

۴. چرا گاهی منطق دانان در جریان تفکر خود، دچار اشتباه می شوند؟ زیرا برای منطقی اندیشیدن صرف

دانستن قواعد منطق کافی نیست ، بلکه کاربست دقیق و ماهرانه آنها نیز لازم است. ص ۳۱

۵. دو عبارت «چه روز بلندی!» و «عاقبت صالحان وارثان زمین خواهند بود» به ترتیب تصور هستند یا

تصدیق؟ چرا؟

«چه روز بلندی!» تعجب است ، تصدیقی ندارد.

«عاقبت صالحان وارثان زمین خواهند بود» خبر ، تصدیق است.

۶. تصور و تصدیق را در موارد زیر مشخص کنید.

- سلامّ علی ابراهیم تصور - ویلّ لِمُطَقِّعین تصور - کُلّ ایلینا راجعون تصدیق

- نماز را اقامه کنید. تصور - خدا کند این جمعه، جمعه ظهور باشد. تصور

- منطق، علم تصحیح افکار است. تصدیق - اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می کند. تصدیق

- ناپرده رنج گنج میسر نمی شود، تصدیق - مزن بر سر ناتوان دست زور تصور

۷. به همراه یک مثال توضیح دهید در چه صورت ترکیب وصفی یا اضافی دارای تصدیق خواهد بود؟

تصدیق عبارت است از: ادراک مطابقت یا عدم مطابقت یک گزارش با واقع

مثال ترکیب وصفی : آسمان زیبا است. در این ترکیب ما زیبایی آسمان را گزارش داده ایم. اما ترکیب وصفی مانند

آسمانِ زیبا ، هیچ حکم و ثبوتی ندارد.

مثال اضافی : این آب ، آب چشمه است. در اینجا ترکیب اضافی تصدیق است، اما ترکیب اضافی آب چشمه به تنهایی تصدیقی ندارد. ص ۲۴

۸. وجه تقسیم مباحث منطق به دو بخش تصورات و تصدیقات چیست؟

این است که جریان اندیشه در ذهن یا به عبارت دیگر تلاش ذهن برای تبدیل مجهول به معلوم گاه از طریق تعریف است و گاه از راه استدلال ، از این رو دانش منطق که ابزاری است برای خطا سنجی جریان تفکر ، باید در دو بخش تصورات و تصدیقات به ارائه تعریف و استدلال بپردازد. ص ۲۵

۹. کارکردهای سه گانه لفظ را توضیح دهید.

(۱) انتقال معانی موجود در ذهن به دیگران (افاده)،

(۲) فهم و ادراک مفاهیم و مقاصد دیگران (استفاده)

(۳) به کار گیری معانی و مفاهیم موجود در ذهن برای تبدیل مجهول به معلوم. ص ۴۲

۱۰. چرا منطقی بحث احکام لفظ را مطرح می‌کند؟

الفاظ یکی از اساسی ترین ابزارهای بشر برای ارائه آسان مفاهیم ذهنی و انتقال تلاش های فکری او در زمینه ی تعریف و استدلال به دیگران است. ص ۴۳

۱۱. تفاوت منطقی و ادیب در بحث از الفاظ چیست؟ ص ۴۳

در مبحث الفاظ ادیب در اکثر موارد به بحث پیرامون **احکام خاص** لفظ در یک زبان مشخص می پردازد حال آنکه منطقی به **احکام عام لفظ** می پردازد.

۱۲. نوع دلالت های زیر را مشخص کنید.

- | | | | |
|-------------------------------------|------------------|---------------------------------|------------------|
| - دلالت لفظ سیب بر معنای سیب | وضعی لفظی مطابقی | - دلالت وجود کلام بر وجود متکلم | عقلی |
| - دلالت چراغ قرمز بر ممنوعیت عبور | وضعی غیر لفظی | - دلالت لفظ اتاق بر سقف آن | وضعی لفظی تضمّنی |
| - دلالت اشک بر غم | طبعی | - دلالت لفظ کوزه بر آب | التزامی |
| - دلالت صدای زنگ بر وجود شخص | عقلی | - دلالت عدد «۳» بر مفهوم دو | وضعی لفظی |
| - دلالت کتاب در جمله «کتاب پاره شد» | تضمّنی | - دلالت ردّ پا بر وجود عابر | عقلی |
| - دلالت لفظ ماشین بر راننده | التزامی | - دلالت سرخی چهره بر خجالت | طبعی |
| - دلالت لفظ تلوزیون بر لامپ تصویر | تضمّنی | - دلالت لفظ درخت بر میوه | التزامی |
| - دلالت لفظ خانه بر اتاق | تضمّنی | - دلالت کتاب بر جلد و صفحات | |
| - دلالت لفظ قلم بر دوات | التزامی | - دلالت لفظ درخت بر میوه | التزامی |
| - دلالت لفظ چای بر قند | التزامی | - دلالت دلالت لفظ خانه بر اثاث | التزامی |
| - دلالت آتش بر حرارت | عقلی | - دلالت کلام بر وجود متکلم | عقلی |
| - دلالت علامت = بر تساوی | وضعی غیر لفظی | - دلالت لباس سیاه بر عزا | وضعی غیر لفظی |

- دلالت لفظ قلم بر دوات	التزامی	- دلالت لفظ خانه بر اثاث آن	تضمینی
- دلالت لفظ کتاب بر تمام کتاب	مطابقی	- دلالت وجود معلول بر وجود علت	عقلی
- دلالت لفظ بر وجود لافظ	عقلی		

۱۳. اقسام دلالت لفظی کدامند؟ برای هر یک مثالی ذکر کنید. ص ۴۴

دلالت عقلی : دلالت دود بر وجود آتش

دلالت طبیعی : دلالت تب بر وجود عفونت

دلالت وضعی : که به دو دسته دلالت وضعی لفظی و دلالت وضعی غیر لفظی تقسیم می شود

دلالت غیرلفظی : دلالت خطوط ، تابلو ها و حرکات رمزی

دلالت لفظی : دلالت لفظ آب بر معنای آن

دلالت وضعی لفظی نیز به سه مورد تقسیم می شود:

دلالت لفظی مطابقی : دلالت خانه بر مجموعه محیط و اتاق ها و سایر قسمت های آن

دلالت لفظی تضمینی : دلالت لفظ کتاب بر خصوص جلد آن در ضمن معنای کل

دلالت لفظی التزامی : دلالت لفظ بارندگی بر فراوانی نعمت

۱۴. کدام قسم دلالت، مورد نظر منطقی است؟ چرا؟ ص ۴۵

از میان اقسام مختلف دلالت تنها دلالت وضعی لفظی محل بحث منطقی است

زیرا علت توجه منطقی به الفاظ جلوگیری از خطاهایی است که گاه از این ناحیه در جریان اندیشه راه می یابد.

۱۵. تفاوت لفظ منقول و مشترک در چیست؟ ص ۴۵

در لفظ مشترک معنای وضعی بر وضعی دیگر سبقت نگرفته است ، در صورتی که در لفظ منقول وضعی بر وضع دیگر

سبقت گرفته و معنای لاحق با ملاحظه تناسب با معنای سابق وضع شده است.

۱۶. با توجه به تقسیم لفظ به مختص، مشترک، منقول و... به سوالات زیر پاسخ دهید.

الف) از نظر منطقی کمال مطلوب در تعریف و استدلال استفاده از چه لفظی است؟ مختص

ب) شرط استفاده از الفاظ منقول و مرتجل چیست؟ ص ۴۶ قطع شدن ارتباط آنها با معنای اولیه

۱۷. مترادف و تباین در الفاظ را توضیح داده و هدف منطقی از ذکر چنین تقسیمی را بنویسید. ص ۴۶

مترادف در صورتی است که چند لفظ دارای یک معنا باشد، مانند انسان و بشر

تباین در صورتی است که چند لفظ ، هر یک دارای معنای جداگانه ای باشد، مانند انسان و سنگ

۱۸. دو عبارت «پایتخت» و «پایه تخت» از حیث مفرد یا مرکب بودن به ترتیب چه حکمی دارند؟

«پایتخت» مفرد

«پایه تخت» مرکب

۱۹. حقیقت و مجاز را تعریف کنید. ص ۴۵ لفظی که دارای معنای واحد نیست و تمام معنای به وضع واضع نیست

۲۰. منظور از لفظ مشترک و نیز منظور از دو لفظ مترادف چیست؟ ص ۴۵ و ۴۶ لفظی که دارای معنای واحد نیست

و تمامی معانی به وضع واضح است و وضعی به وضع دیگر سبقت نگرفته است.

ترادف در صورتی است که چند لفظ دارای یک معنا باشد، مانند انسان و بشر

۲۱. کدام يك از مفاهيم زیر کلی و کدام يك جزئی است؟

- سیب قرمز **کلی** - مولود کعبه **کلی** - نماز صبح **کلی** - قله دماوند **جزئی**
- پایتخت ایران **کلی** - آن درخت **جزئی** - قاره آسیا **جزئی** - کوه طلا **کلی**
- کشور اسلامی **کلی** - این کلاس **جزئی** - دریای حیوه **کلی** - کعبه **جزئی**
- شريك خدا **کلی** - گول سیاه **کلی** - هندوستان **جزئی** - جزئی **جزئی**
- رهبر ایران **کلی** - اقیانوس هند **جزئی** - بزرگترین قله جهان **کلی** - اروپا **جزئی**

۲۲. چرا منطقی از مفاهيم کلی بحث می‌کند؟ ص ۵۰

روشن است که در منطق تنها از مفاهيم کلی بحث می‌شود، چرا که تلاش‌های فکری دانشمندان علوم جملگی برای دست یافتن به قوانین است. پس منطق به عنوان «روشنی» که در خدمت فکر و دانش بشری است و نقش خادم علوم را ایفا می‌کند، باید به چند و چون مفاهيم کلی و چگونگی مصون ماندن اندیشه از خطا در جریان کشف مجهولات و قوانین، بپردازد.

۲۳. بین مفاهيم زیر کدام يك از نسبت های چهارگانه برقرار است؟

- دایره - غیر شکل **تباين** غیر دایره - شکل **مطلق** کلاغ - سیاه **من وجه** روزه - نماز **تباين**
 - غیر انسان - حیوان **من وجه** انسان - غیر حیوان **تباين** برف - سفید **مطلق** واجب - نماز **من وجه**
 - مربع - غیر شکل **تباين** کلی ذاتی - فصل **مطلق** سفید - شور **من وجه** دکمه - پیراهن **تباين**
 - مثلث - سه ضلعی **تساوی** دکمه - لباس **تباين** کتاب - روزنامه **تباين** تعریف - حدّ **مطلق**
 - انسان - ضاحک **تساوی** فیلسوف - فیزیک دان **من وجه** یکتا پرست - مسلمان **مطلق** مسلمان - ایرانی **من وجه**
 - اروپایی - مسیحی **من وجه** ایرانی - مسیحی **من وجه** موحد - مسلمان **من وجه**
- دلالت مطابقی - دلالت وضعی **مطلق**

۲۴. رسالت منطقی در بحث تعریف چیست؟ ص ۵۶

در بحث تعریف رسالت منطقی تنها تبیین روش صحیح جستجوی پاسخ پرسش از چیستی اشیاء است و خود هرگز به تعریف امور نمی‌پردازد.

۲۵. معنای تعریف چیست؟ ص ۵۳

روشن کردن تصور مجهول به وسیله ی مفاهيم و تصور های معلوم موجود در ذهن

۲۶. سه مورد از قواعد و ضوابط منطقی تعریف را ذکر کنید. ص ۵۶

- ۱- جامع و مانع بودن تعریف
- ۲- روشن تر بودن مفهوم معرّف از خود معرّف نزد مخاطب
- ۳- لزوم مغایرت مفهومی معرّف با معرّف
- ۴- دوری نبودن تعریف

۲۷. جامع و مانع بودن تعریف به چه معناست؟ این شرط تعریف در چه صورت متحقق می‌شود؟ ص ۵۴

یعنی به گونه ای باشد که همه افراد معرّف را شامل شود (جامع بودن) و هیچ فرد بیگانه با معرّف را نیز شامل نشود (مانع بودن) برای اینکه تعریف از جامعیت و مانعیت برخوردار باشد، باید نسبت دو مفهوم معرّف و معرّف به لحاظ مصداق تساوی باشد.

۲۸. از ترکیبات زیر چه تعریفی حاصل می‌شود: ص ۵۹

الف) جنس بعید + فصل قریب = حدّ ناقص

ب) جنس بعید + عرضی خاص = رسم ناقص

ج) جنس قریب + فصل قریب = حدّ تام

۲۹. سلسله مراتب اجناس چگونه تشکیل می‌شود؟ برای آن مثال بزنید و جنس سافل، متوسط و عالی را در آن

مشخص کنید. ص ۵۸

اگر مجموعه ای از کلیات را براساس جنس آن ها مرتب کنیم به نحوی که سلسله ای را تشکیل دهند که از شمول کمتر به سوی وسعت بیشتری پیش رود، آن گاه سلسله اجناس تشکیل می‌شود.
مثال:

انسان ← حیوان ← جسم نامی ← جسم ← جوهر

جنس سافل: حیوان

جنس متوسط: جسم نامی ← جسم

جنس عالی: جوهر

۳۰. رسم ناقص را به چند صورت می‌توان ارائه داد؟ در ضمن مثال توضیح دهید. ص ۵۹

رسم ناقص را به ۲ صورت می‌توان ارائه داد:

الف) عرضی خاص ← مثال: تعریف انسان به ضاحک

ب) جنس بعید + عرضی خاص ← مثال: تعریف انسان به جسم ضاحک

۳۱. با توجه به سلسله: «جوهر- جسم- جسم نامی- گیاه- نخل» و اطلاعات داده شده به سؤالات پاسخ

دهید.

فصل قریب نخل: خرما دهنده

عرضی خاص نخل: دارای برگ سعفی

عرضی عام نخل: ریشه دار

الف) تعریف نخل به حد ناقص چیست؟ حد ناقص = جنس بعید + فصل قریب

ب) تعریف نخل به (گیاه خرما دهنده) چه نوع تعریفی است؟ حد تام = جنس قریب + فصل قریب

ج) نخل را به رسم تام تعریف کنید. رسم تام = جنس قریب + عرض خاص = گیاه دارای برگ سعفی

۳۲. با توجه به قواعد تعریف، صحت و سقم تعاریف زیر را مشخص نمایید.

- تعریف انسان به **جسم راه رونده** = مانع نیست
- تعریف بالا به **جهتی** که پایین نیست = **دوری است**
- تعریف مثلث به سه ضلعی که دارای سه ضلع مساوی است = **جامع نیست**
- تعریف انسان به حیوان شاعر = **جامع نیست**
- تعریف انسان به **جسم رشد کننده** = مانع نیست
- تعریف بالا به **جهتی** که پایین نیست = **دوری است**
- تعریف مربع به چهار ضلعی دارای چهار ضلع مساوی و چهار زاویه قائمه = **تعریف صحیح است (هم جامع و هم مانع است)**

- تعریف انسان به حیوان **فیلسوف** = جامع نیست
- تعریف انسان به **جسم رشد کننده** = مانع نیست
- تعریف انسان به **حیوان ضاحک** = جامع نیست (مانع هست)
- تعریف آتش به اسطوقسی شبیه نفس = **تعریف نادرست**، معرّف باید از معرّف روشن تر و بی ابهام تر باشد
- تعریف مرغ به پرنده تخم گذار = **مانع نیست**
- تعریف انسان به بشر = **تعریف نادرست**، تعریف به مترادف (با معرّف مغایرت مفهومی ندارد)

۳۳. نوع تعریف های زیر را مشخص کنید.

- الف) انسان: جسم ناطق ← **جنس بعید + فصل قریب = حد ناقص**
- ب) انسان: حیوان ضاحک ← **جنس قریب + عرض خاص = رسم تام**
- ج) انسان: حیوان ناطق ← **جنس قریب + فصل قریب = حد تام**

۳۴. اقسام قضیه حملیه به لحاظ موضوع و نسبت بین طرفین را به ترتیب نام ببرید. ص ۶۷

اقسام قضیه حملیه :

- الف) شخصیّه
- ب) طبیعیّه
- ج) مهمله
- د) محصوره

۳۵. نوع قضایای حملیه زیر را به اعتبار موضوع، به همراه ذکر دلیل بیان کنید.

- | | | |
|-------------------------------|----------------------------------|-----------------------------------|
| اسب نوع است. طبیعیّه | مومن رستگار است. مهمله | هیچ درختی، گل نیست. محصوره |
| انسان نوع است. طبیعیّه | انسان متفکر است. مهمله | مؤمن رستگار است. مهمله |
| حیوان جنس است. طبیعیّه | هیچ درختی گل نیست. محصوره | جزیره کیش زیباست. شخصیه |

دایره منحنی است. **مهمله** هر انسانی متفکر است. **محصوره** ایران کشور اسلامی است. **شخصیه**

ناطق فصل است. **طبیعیه** انسان عجول است. **مهمله** هیچ انسانی بی‌مهره نیست. **محصوره**

انسان در زیان است. **مهمله** اروپا قاره سرسبز است. **شخصیه** هیچ موجود زنده‌ای در مریخ نیست. **محصوره**

علی (علیه السلام) مولای متقیان است. **شخصیه** حضرت معصومه کریمه‌ی اهل بیت است. **شخصیه**

علت ها :

طبیعیه : موضوع کلی که محمول به مصادیق و افراد آن تعلق ندارد (کلیات خمس)

مهمله : موضوع کلی که محمول به مصادیق آن تعلق دارد اما به تعداد افراد آن تصریح نشده

شخصیه : موضوع جزئی

محصوره : وجود سور در ابتدای جمله ، هیچ و هر

۳۶. دو قسم شرطیه اتصالی را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۶۸

شرطیه اتصالی لزومی : پیوند مقدم و تالی حتمی و اجتناب ناپذیر است « مثال : اگر روز آغاز شود ، جهان روشن خواهد شد.

شرطیه اتصالی اتفاقی: پیوند مقدم و تالی صرفاً براساس تقارنی اتفاقی است. « مثال : اگر قارون مال اندوخت ، لقمان حکمت آموخت

۳۷. نوع قضایای منفصله زیر را مشخص نمایید.

- لفظ مفرد یا اسم است یا کلمه یا ادات **حقیقیه** (لا یجتمعان ، لا یرتفعان)
- گروه خونی وی یا O است یا B مانعة الجمع (لا یجتمعان ، یرتفعان)
- مکافات عمل یا در دنیا است یا در آخرت مانعة الخلو (یجتمعان ، لا یرتفعان)
- انسان یا سفید است یا غیر سفید **حقیقیه** (لا یجتمعان ، لا یرتفعان)
- شکل یا دایره است یا مربع مانعة الجمع (لا یجتمعان ، یرتفعان)
- عدد یا اول است یا غیر اول **حقیقیه** (لا یجتمعان ، لا یرتفعان)

۳۸. موجه و سالبه از اقسام چه قضایایی و با چه لحاظی هستند؟ ص ۶۹

از اقسام قضایای حملیه و شرطیه به لحاظ نسبت بین طرفین

۳۹. استدلال مباشر را تعریف کرده و اقسام آن را ذکر کنید. ص ۷۱

اگر استنتاج و اکتساب یک تصدیق تنها راه یک قضیه باشد «استدلال مباشر» نامیده می شود.

اقسام استدلال مباشر : تقابل ، عکس ، نقض

۴۰. اقسام تقابل را نام برده و دو مورد آن را توضیح دهید. ص ۷۱

اقسام تقابل : تناقض ، تضاد ، دخول تحت تضاد ، تداخل

تناقض : هرگاه دو قضیه از نظر موضوع و محمول یکسان ، ولی از نظر کمیت و کیفیت متفاوت باشند آنها را متناقضین می خوانند. از دو قضیه ی متناقض همواره یکی صادق و دیگری کاذب است.

تضاد : هرگاه دو قضیه کلی از نظر موضوع و محمول یکسان ، ولی یکی موجب و دیگری سالبه باشد ، آنها را دو قضیه متضاد یا متضادین می خوانند.

دخول تحت تضاد : هرگاه دو قضیه جزئی از نظر موضوع و محمول یکسان ولی یکی موجب و دیگری سالبه باشد ، آنها را داخلتان تحت تضاد می خوانند.

تداخل : هرگاه دو قضیه از نظر موضوع و محمول و کیفیت یکسان ولی یکی کلی و دیگری جزئی باشد آنها را متداخل می خوانند.

۴۱. شش مورد از وحدت های معتبر در تناقض را نام ببرید. ص ۷۲ و ۷۳

۱- وحدت موضوع

۲- وحدت محمول

۳- وحدت شرط

۴- وحدت اضافه (نسبت)

۵- وحدت جزء و کل

۶- وحدت قوه و فعل

۷- وحدت مکان

۸- وحدت زمان

۴۲. موارد خواسته شده را بنویسید.

- بعضی آنها رسانا نیستند. (متناقض)

همه ی آنها رسانا هستند.

- هیچ مربعی دایره نیست. (متضاد)

هر مربعی دایره است.

- بعضی انسانها جاهل نیستند. (متناقض)

همه ی انسانها جاهل هستند.

۴۳. برای وحدت قوه و فعل در تناقض ، دو مثال بزنید که در یکی وحدت مذکور رعایت شده باشد و در مثال دیگر رعایت نشده باشد. ص ۷۲

رعایت وحدت فعل: علی پزشک است بالفعل. و علی پزشک نیست بالفعل.

عدم رعایت وحدت قوه: شکوفه میوه است بالقوه. و شکوفه میوه نیست بالفعل.

۴۴. حکم متناقضین و متضادین را به لحاظ صدق و کذب بیان کنید. ص ۷۲ و ۷۳

- ❖ حکم متناقضین : همواره یکی صادق و دیگری کاذب است و از علم به صدق هریک میتوان کذب قضیه دیگر و بالعکس نتیجه گرفت.
- ❖ حکم متضادین : ممکن نیست که دو قضیه متضاد هر دو صادق باشند. بنابراین در صورت علم به صدق هریک کذب قضیه دیگری را میتوان نتیجه گرفت ، هرچند از کذب یکی نمیتوان صدق دیگری را نتیجه گرفت. به عبارتی دوقضیه متضاد نمیتوانند هر دو صادق باشند امام ممکن است هر دو کاذب باشند.

۴۵. عکس مستوی قضایای زیر را بنویسید. ص ۷۸

الف) موجهه کلیه موجهه جزئیه ب) سالبه کلیه سالبه کلیه ج) سالبه جزئیه ندارد

۴۶. دو روش عکس نقیض را توضیح دهید. (مثال لازم نیست) ص ۷۸ و ۷۹

- الف: روش عکس نقیض موافق: در این روش ابتدا موضوع و محمول به نقیض خود تبدیل شده سپس با یکدیگر جا به جا میشوند به نحوی که کیف و صدق قضیه اصل تغییر نکند .
- ب: روش عکس نقیض مخالف: این روش عبارت است از قرار دادن نقیض محمول به جای موضوع و قرار دادن خود موضوع به جای محمول با تغییر کیف و بقای صدق قضیه.

۴۷. عکس نقیض موافق قضایای زیر را بنویسید.

الف) موجهه جزئیه ندارد ب) سالبه کلیه ج) موجهه کلیه ج) موجهه جزئیه

۴۸. موارد خواسته شده را بنویسید.

- هر امامی معصوم است (عکس نقیض مخالف) موجهه کلیه ← سالبه کلیه : هیچ غیر معصومی امام نیست.
- هر امامی صادق است. (عکس نقیض موافق) موجهه کلیه ← موجهه کلیه : هر غیرصادقی غیر امام است.
- هیچ انسانی بی مهره است. (عکس نقیض مخالف) سالبه کلیه ← موجهه جزئیه: بعضی مهره داران انسان هستند.
- هر غیر حیوانی غیر انسان است. (عکس مستوی) موجهه کلیه ← موجهه جزئیه: بعضی غیرانسان ها غیرحیوان هستند.
- هر انسانی مهره دار است. (عکس مستوی) موجهه کلیه ← موجهه جزئیه : بعضی مهره داران انسان هستند.
- هیچ حیوانی غیرجسم نیست. (عکس نقیض موافق) سالبه کلیه ← سالبه جزئیه : بعضی جسم ها غیرحیوان نیست.
- هر مربعی غیر منحنی است. (عکس نقیض موافق) موجهه کلیه ← موجهه کلیه : هر منحنی غیرمربع است.
- هر غیر شکلی غیر مربع است. (عکس نقیض موافق) موجهه کلیه ← موجهه کلیه : هر مربعی غیر شکل است.
- هیچ مربعی دایره نیست . (عکس مستوی) سالبه کلیه ← سالبه کلیه : هیچ دایره ای مربع نیست.
- هر غیر شکلی غیر مثلث است. (عکس نقیض مخالف) موجهه کلیه ← سالبه کلیه : هیچ مثلثی غیر شکل نیست.
- هر غیرحیوانی غیر انسان است. (عکس نقیض موافق) موجهه کلیه ← موجهه کلیه : هر انسانی حیوان است.

۴۹. تمثیل را تعریف کرده و ارکان آن را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۸۴

- تمثیل یا استدلال تمثیلی حجتی است که در آن حکم را از یک موضوع به موضوع دیگر از طریق مشابهت بین آن دو سرایت دهند. آنچه سبب سرایت دادن حکم از موضوعی به موضوع دیگر میشود وجود نوعی مشابهت بین آن دو است. مانند: اگر نظام سیاسی به بخشی از احساسات و اعتراض های انسانی آزادی ندهد ، جامعه با انفجار روبه رو خواهد شد. زیرا یک نظام سیاسی مانند دیگ بخار است که اگر همه منافذ آن بسته باشد، سرانجام منفجر میشود.

در این تمثیل حکم یک دیگ بخار به نظام سیاسی به جهت نوعی شباهت بین آنها سرایت داده شده است.

هر استدلال تمثیلی ۴ رکن دارد:

اصل، فرع، جامع، حکم.

دیگ بخار اصل، نظام سیاسی فرع، ظرفیت محدود داشتن جامع، انفجار حکم است.

۵۰. اقسام استدلال غیر مباشر را نام برده و حکم هر یک را از نظر یقینی بودن نتیجه بنویسید. ص ۸۵

اقسام استدلال غیر مباشر:

الف) استقراء شامل استقراء تام و ناقص. ب) تمثیل. ج) قیاس

از این اقسام استقراء تام و قیاس مفید یقین است، استقراء ناقص موجب ظن و تمثیل سبب احتمال یا ظن ضعیف است.

۵۱. معتبرترین شکل قیاس اقترازی کدام است؟ چرا؟ ص ۸۵

شکل اول، زیرا جریان طبیعی فکر اقتضا میکند که موضوع و محمول در هر یک از مقدمات همان نقش را در نتیجه ایفا کند.

۵۲. شکل دوم قیاس را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۸۹

قیاسی که در آن حد اوسط هم در صغرا و هم در کبرا محمول واقع شود. مانند: بعضی انسان ها فیلسوفند. هیچ جاهلی فیلسوف

نیست. پس بعضی انسان ها جاهل نیستند.

۵۳. هر یک از اشکال قیاس اقترازی دارای چند حالت است؟ چرا؟ ص ۸۹

هر یک از شکلهای چهارگانه قیاس دارای شانزده حالت است. زیرا هر یک از دو مقدمه صغرا و کبرا ممکن است یکی از این چهارقضیه

باشد. موجه کلیه، سالبه کلیه، موجه جزئیه، سالبه جزئیه. هر یک از این حالتها چهارگانه در یک مقدمه، صلاحیت همراهی با

یکی از حالتها چهارگانه مقدمه دوم را دارد و بدین صورت شانزده حالت در قیاس اقترازی پدید می آید.

۵۴. این قانون که « نتیجه تابع احسنّ مقدمتین است » را توضیح داده و آن را در یک مثال پیاده کنید. ص ۹۰

در هر قضیه ای باید توجه داشت به نتیجه به لحاظ کم و کیف، تابع احسنّ مقدمتین یعنی پست ترین مقدمه است. خست و پستی

یک مقدمه به جزئیه بودن و سالبه بودن آن است. بنابراین اگر یکی از دو مقدمه جزئیه باشد نتیجه حتما جزئیه است و اگر یکی از دو

مقدمه سالبه باشد نتیجه نیز سالبه خواهد بود. مانند: بعضی انسان ها دانشمندند. هیچ دانشمندی بی سواد نیست. پس بعضی

انسان ها بی سواد نیستند.

۵۵. سه ضرب منتج شکل اول را ذکر کنید؟ ص

صغرا موجه کلیه و کبرا موجه کلیه، صغرا موجه کلیه و کبرا سالبه کلیه، صغرا موجه جزئیه و کبرا موجه جزئیه

۵۶. شرایط اختصاصی هر یک از شکل های اول و دوم وسوم را بیان کنید. ص

شکل اول: موجه بودن صغرا، کلیت کبرا.

شکل دوم: اختلاف دو مقدمه در سلب و ایجاب، کلیت کبرا.

شکل سوم: موجه بودن صغرا، کلیت یکی از دو مقدمه ها

۵۷. سه شرط از شرایط عمومی قیاس را توضیح دهید. ص ۹۶

الف) کلیت دست کم یکی از دو مقدمه: یعنی هر دو مقدمه جزئی نباشد زیرا در این صورت انتاج قیاس همیشگی نخواهد بود مانند

بعضی از کبوتران سفیدند. بعضی از سفیدها برفند. پس بعضی از کبوتران برفند. در این مثال اگرچه هر یک از مقدمات به تنهایی

صادقند ولی نتیجه کاذب است.

ب) موجه بودن دست کم یکی از دومقدمه: یعنی هر دو مقدمه سالبه نباشد مانند هیچ انسانی سنگ نیست. هیچ سنگی متفکر نیست. پس هیچ انسانی متفکر نیست. نتیجه نادرست است زیرا ممکن است یک شی با دو چیز متباین باشد ولی آن دو چیز با هم هیچگونه تباینی نداشته باشند.

ج) اگر صغرا سالبه باشد کبرا جزئیه نباشد: در این صورت انتاج دائمی نخواهد بود مانند هیچ کلاغی انسان نیست. برخی از انسان ها تنفس کننده اند. پس بعضی از کلاغ ها تنفس کننده نیستند.

۵۸. شکل قیاس‌های اقترانی زیر و انتاج یا عدم انتاج آنها را مشخص نموده و در صورت انتاج، نتیجه را بنویسید.

- هر طلایی فلز است هر طلایی عنصر است
شکل سوم. منتج. هر فلزی عنصر است.

- هیچ انسانی اسب نیست هیچ انسانی بی جان نیست.
شکل سوم. عقیم. موجه نبودن صغرا (عدم رعایت شرایط اختصاصی)

- هیچ انسانی حشره نیست. هیچ اسبی حشره نیست.
شکل دوم. عقیم. موجه نبودن صغرا (عدم رعایت شرایط اختصاصی)

- بعضی از سائیلین ثروتمند هستند هیچ ثروتمندی مستحق صدقه نیست
شکل اول. منتج. برخی از سائیلین مستحق صدقه نیستند

- هر شیعه‌ای موحد است هر شیعه‌ای مسلمان است
شکل سوم. منتج. برخی از موحدان مسلمان هستند

- هرگاه آب، کر باشد پس پاک‌کننده است لکن این آب، کر است
قیاس استثنایی انصالی..مقدم استثنا شده در نتیجه منتج....پس پاک کننده است

- دائماً شیء یا علت است یا معلول(مانعة الخلو) لکن این شیء علت است
استثنایی انصالی منتج پس معلول نیست

- بعضی فلزات طلا نیستند هر طلایی گران قیمت است
شکل اول. عقیم.موجه نبودن صغرا (عدم رعایت شرایط اختصاصی)

- هیچ انسانی اسب نیست هر انسانی حیوان است
شکل سوم. عقیم. موجه نبودن صغرا (عدم رعایت شرایط اختصاصی)

- هیچ انسانی حشره نیست هر حشره‌ای بی‌مهره نیست
شکل اول. عقیم. موجه نبودن صغرا (عدم رعایت شرایط اختصاصی)

- هر مثلثی سه ضلعی است هر مثلثی شکل است
شکل سوم. منتج. برخی از سه ضلعی ها شکلند

- هیچ انسانی حشره نیست هر پشه‌ای حشره نیست
شکل دوم. عقیم. عدم اختلاف دو مقدمه در سلب و ایجاب

- بعضی فلزات جیوه اند هیچ جیوه‌ای چکش خوار نیست
شکل اول. منتج. برخی از فلزات چکش خوار نیستند

- هر دایره ای شکل است هر مربعی شکل است.

شکل دوم. عقیم. عدم اختلاف دو مقدمه در سلب و ایجاب

- هر انسانی حیوان است هر انسانی جسم است .

شکل سوم. منتج. برخی از حیوانات جسم هستند

- هر دایره ای شکل است بعضی شکلها منحنی هستند

شکل اول. عقیم. کلی نبودن کبرا (عدم رعایت شرایط اختصاصی)

۵۹. اقسام قیاس استثنائی انفصالی را نام برده و مثال بزنید. ص

(الف) استثنایی انفصالی حقیقی: یا عدد زوج است یا فرد، لیکن این عدد زوج نیست، پس این عدد فرد است.

(ب) استثنایی انفصالی مانعة الجمع: یا قلم سبز است یا قلم سیاه است. لیکن این قلم سبز است. پس این قلم سیاه نیست.

(ج) استثنایی انفصالی مانعة الخلو: یا مکافات عمل در دنیا است و یا در آخرت است. لیکن مکافات این عمل در دنیا نیست. پس

مکافات این عمل در آخرت است.

۶۰. دو معنای یقین را ذکر کرده و بیان کنید کدام يك مبدا استدلال واقع می‌شود. ص ۱۰۸

(الف) تصدیق جازم: اعم از اینکه مطابق واقع باشد یا نباشد، بر اساس تحقیق و یا تقلید باشد(یقین به معنای اعم).

(ب) تصدیق جازم مطابق واقع که بر اساس تحقیق باشد(یقین به معنای اخص). مبدا استدلال یقین به معنای اخص است.

۶۱. بین ماده و مبدا چه نسبتی از نسب اربع است؟ عموم و خصوص مطلق

۶۲. اقسام مسلمات را با ذکر مثال بیان کنید. ص ۱۱۱

قضایایی که مورد قبول مخاطب اند و به منظور ملزم کردن مخاطب به قبول نتیجه مورد نظر به کار میروند. بر سه قسم اند:

۱. مسلم نزد همگان مثل یقینیات.

۲. مسلم نزد گروهی خاص مثل تسلسل محال است نزد فیلسوفان و متکلمان.

۳. مسلم نزد فردی خاص

۶۳. اقسام صناعات خمس را بر اساس حصر عقلی تبیین کنید. ص ۱۱۵

استدلال یا مفید تصدیق نیست: **صناعت شعر** و یا مفید تصدیق هست، در این صورت یا افاده تصدیق جازم نمیکند: **صناعت**

خطابه و یا افاده تصدیق جازم میکند در این حالت یا در آن اعتبار نشده است که استدلال مطابق با حق باشد: **صناعت جدل** ، و

یا اعتبار شده است که مطابق با حق باشد. در این فرض یا واقعاً منطبق بر حقیقت است: **صناعات برهان** و یا در واقع منطبق بر

حقیقت نیست **صناعت مغالطه**

۶۴. فایده و ارزش برهان را توضیح دهید. ص ۱۱۶

فایده: رسیدن به نتایج یقینی و کشف حقیقت. انسان در سایه استدلال برهانی علاوه بر تعلیم و ارشاد دیگران خود نیز بهره مند

میشود. تنها راه یقینی برای اثبات درستی و بطلان مطالب بهره گیری از برهان است. به عبارتی برهان مطمئن ترین راه برای تمییز

حق از باطل و دستیابی به عقاید و آرای درست است

ارزش: طبیعی ترین عکس العمل موجود متفکر در برخورد با جهان اطراف کنجکاوی و طرح سوال است. طرح سوال و تلاش برای

یافتن پاسخ مناسب برای انسان، جز با رسیدن به یقین پایان نخواهد یافت. عامل دیگر میل فطری انسان برای رسیدن به سعادت

حقیقی است . انسان برای رسیدن به آن زمانی تمام سرمایه های مادی و معنوی خود را به کار میگیرد که در مورد تامین سعادت

۶۵. دو قسم برهان اِنّی را با ذکر مثال بیان نمایند. ص ۱۱۸

برهانی که در آن انتقال ذهن از وجود علت به معلول نیست.

الف) انتقال از وجود معلول به وجود علت: مثل این بیمار دارای چنین علایمی است. هرکس دارای چنین علایمی باشد مبتلا به فلان بیماری است. پس این بیمار مبتلا به فلان بیماری است. دراین استدلال ذهن در جریان اندیشه نخست به وجود معلول (علایم بیماری) علم پیدا کرده و از این رهگذر به وجود علت (فلان بیماری) پی برده است. ب) انتقال از وجود معلول به وجود معلولی دیگر که در علت با یکدیگر مشترک اند: مثل هرگاه لامپ الف روشن باشد لامپ ب نیز روشن خواهد بود. چرا که علت روشنایی هر دو، وجود جریان الکتریسیته است.

۶۶. انگیزه باطل در مغالطه را شرح دهید. ص ۱۲۴

گاهی مغالط با اهدافی نادرست مثل ریا، برتری و تفوق بر دیگران دست به مغالطه میزند. اساس چنین انگیزه ای اینست که مغالط خواهد قبل از آراسته شدن به حکمت و مقتضای عقل خود را در جامه عالمان ظاهر کند. چنین افرادی راهی جز با تمسک به انواع مغالطه ندارند. تنها راه مقبولیت کلام ایشان در میان ظاهرین استفاده از مغالطه و شهرت دروغین به علم و فرزانی است.

۶۷. اجزاء اصلی و اجزاء عرضی مغالطه را توضیح دهید. ص ۱۲۴

اجزای درونی (اصلی) : منظور از آن اجزای تشکیل دهنده استدلال مغالطی است. اعم از قضایایی که ماده استدلال را تشکیل میدهند و یا صورتی که شکل استدلال را تعیین میکند.

اجزای بیرونی (عرضی): اموری خارج از استدلال مغالطی است که اگر چه بیرون از متن استدلال قرار دارند اما درعین حال موجب قبول نتیجه استدلال نادرست میشوند مانند تحقیر مخاطب یا تکرار یک ادعا با هیاهو و هوچی گری.

۶۸. سه فایده مغالطه را نام برید. ص ۱۲۴

۱. در مقام استدلال با دانستن مواضع غلط ، خود را از وقوع در آن حفظ می کند .

۲. خود را از تاثیر پذیری مغالطه در امان نگه می دارد.

۳. از سقوط انسانهای دیگر در دام مغالطه جلوگیری می کند.

۶۹. موضوع صنعت مغالطه چیست؟ ص ۱۲۵

موضوعات در هر زمینه ای اعم از مسائل عقلی، غیر عقلی، فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی و ... ممکن است مغالطه رخ دهد.

۷۰. به همراه مثال توضیح دهید چه قضایایی مبدأ صنعت مغالطه است؟ ص ۱۲۵

قضایایی که در مغالطه به کار میروند وهمیات و مشبهات اند.

منظور از وهمیات آن دسته از قضایایی است که قوه وهم برخلاف عقل آنها را صادق و بدیهی می شمارد مانند "هرچه قابل اشاره نباشد موجود نیست" که از نوع حکم وهم در امور عقلی است. و مراد از مشبهات نیز قضایای کاذب شبیه به یقینات و بدیهیات مثل "انسان شیر میخورد" درحالیکه مراد از شیر، حیوان درنده باشد. و همچنین قضایای کاذب شبیه به مشهورات است. مثل " خداوند نور است" درحالیکه مقصود از نور، نور محسوس باشد.

۷۱. مغالطه درونی در استدلال مباشر چگونه صورت می گیرد؟ يك مثال ذکر کنید. ص ۱۲۷

اگر در هر نوع استدلال مباشر رعایت ارکان و شرایط آن نشود مغالطه صورت میگیرد. مثلا نقیض موجه کلیه ، سالبه کلیه دانسته شود، آنگاه از کذب قضیه "هر حیوانی انسان است" صدق قضیه "هیچ حیوانی انسان نیست" نتیجه گرفته شود.

۷۲. دو منشأ قیاس مغالطی در ذیل ذکر شده است. برای هر يك مثالی ذکر کنید. ص ۱۲۸

الف) تشکیل قیاس از دو مقدمه جدا از هم (ب) تکرار نشدن حد وسط

الف) فقط انسان شاعر است. هرشاعری حیوان است. پس فقط انسان حیوان است.

ب) انگور شیرین است. شیرین اسطوره داستانی است. پس انگور اسطوره داستانی است.

۷۳. استقراء و تمثیل مغالطی را همراه مثال توضیح دهید. ص ۱۳۰

فقدان هریک از شرایط و ارکان استقراء و تمثیل سبب مغالطه میشود. مثلا در استقراء ناقص اگر بدون تکرار مشاهده و یا مشاهده مواردی بسیار اندک که برای حکم کلی کافی نباشد، حکمی کلی آورده شود، مغالطه صورت گرفته است. مثل اینکه با مشاهده یک یا تعداد محدودی ایرانی قد کوتاه حکم شود که همه ایرانی ها قد کوتاه هستند و یا در تمثیل مثلا اگر بدون وجود جامعی واقعی حکمی از موضوعی به موضوع دیگر سرایت داده شود، مغالطه صورت پذیرفته است. مانند " فلانی شرور است چه اینکه بافلان فرد شرور هم کلاسی است".

۷۴. برای مغالطه های زیر مثالی ذکر کنید (نیازی به تعریف نیست) ص ۱۳۴

الف) توسل به جهل (ب) تله گذاری (ج) مرجع کاذب

الف) اعتقاد به وجود جن خرافه ای بیش نیست، زیرا من هیچ کتاب و مقاله علمی در این باره ندیده ام.

ب) اهل ذوق و ادب خوب میفهمند نامی که برای این موسسه پیشنهاد شده است بسیار زیبا و مناسب است.

ج) یکی از سیاستمداران بزرگ پیش بینی کرد است که سال آینده میزان بارندگی بسیار زیاد خواهد بود.

۷۵. مغالطه «انگیزه و انگیزه» و «بار ارزشی کلمات» را توضیح دهید. ص ۱۳۵

مغالطه بار ارزشی کلمات: برخی از کلمات بار ارزشی مثبت یا منفی هستند و احساسات ویژه ای را در مخاطب برمی انگیزد که ممکن است در داوری او موثر باشد. اگر کسی با استفاده از واژه های ارزشی طوری بهره بگیرد که تلویحا عقیده ای نادرست را به مخاطب القا کند مرتکب این مغالطه شده است. مانند من در اعتقادات خود ثابت قدم و استوار هستم و شما درباره سخن خود بی جهت لجاجت و تعصب می ورزید.

مغالطه انگیزه و انگیزه: برای بررسی یک فکر یا یک عمل باید خود آن (انگیزه) را از نظر درستی یا نادرستی ارزیابی کرد. اگر کسی از انگیزه خوب، درستی فکر و عمل را نتیجه بگیرد و یا در مقابل از سوء نیت، نادرستی آن را استنتاج کند، مرتکب این مغالطه شده است. مانند: او برای آنکه شهرت پیدا کند این کتاب را نوشته است، بنابر این ارزش خواندن ندارد.

۷۶. نوع مغالطه های زیر را مشخص کنید. ص

این سخن اولین بار توسط چنگیز خان مغول مطرح شد، پس قابل قبول نیست. ← منشأ

پذیرایی بی موقع و پر سر و صدا در ضمن سخنرانی ها ← پارازیت

حرف شما مرا یاد لطیفه ای انداخت؛ می گویند روزی ... ← شوخی بی ربط

شما نباید مقاله مرا مثل نوشته دیگران مورد نقد قرار دهید. ← تبعیض طلبی

اعتقاد به وجود جن خرافه ای بیش نیست؛ زیرا من هیچ مقاله علمی در این باره ندیده ام. ← توسط به جهل

هر عسلی زرد است. پس هر زردی عسل است. ← ایهام انعکاس

فقط انسان ناطق است، هر ناطقی حیوان است، پس فقط انسان حیوان است. ← مغالطه جمع مسائل در یک مسأله

هر شاعری حیوان است، هر شاعری انسان است، پس هر حیوانی انسان است. ← مغالطه عدم رعایت شرایط مخصوص نتیجه گیری

هیچ چارپایی خون گرم است، هر میمونی خون گرم است، پس هر چارپایی میمون است. ← مغالطه عدم رعایت شرایط مخصوص نتیجه گیری

۷۷. سه مورد از علل روی آوردن به جدل در مقام مناظره را ذکر کنید. ص ۱۳۹

۱. درست نبودن مدعای شخص و در نتیجه عدم امکان اقامه برهان بر آن

۲. دشوار بودن فهم برهان برای توده مردم

۳. تناسب نداشتن فهم برهان با نوآموزان یک رشته علمی

۷۸. تفاوت های جدل با برهان را بنویسید. ص ۱۴۰

۱. مقدمات برهان باید یقینی و مطابق با واقع باشند، اما مقدمات جدل باید مسلم و مقبول طرف مقابل باشند و مطابقت با واقع در آنها شرط نیست

۲. جدل همواره به دو شخص متخاصم قائم است ولی اقامه برهان گاه برای خود شخص است، زیرا هر انسانی با

قطع نظر از این که بخواهد برای دیگری حقی را اثبات یا ناصوابی را ابطال کند خود به برهان و مقدمات یقینی برای درک واقعیت نیاز دارد

۳. برهان تنها به صورت قیاسی تالیف میشود، برخلاف جدل که به شکل استقرا و تمثیل نیز می آید.

۷۹. مبادی اولیه و ادوات جدل را بیان کنید. ص ۱۴۲

مبادی اولیه : مشهورات و مسلمات

ادوات جدل:

۱- آگاهی از انواع مشهورات

۲- شناخت الفاظ و واژه های علوم مختلف و آشنایی با احکام و حالات الفاظ

۳- توانایی و قدرت بر تشخیص مشترکات بین امور متفاوت و جهات افتراق آن ها

۸۰. سه مورد از آداب جدل را ذکر کنید. ص ۱۴۲

۱. دوری از استعمال الفاظ رکیک و سخیف و استفاده از عبارات زیبا و جذاب

۲. پرهیز از هرگونه تمسخر و دشنام و ناسزاگویی

۳. رعایت کمال تواضع و فروتنی هنگام سخن

***** بین مبدأ و ماده چه نسبتی از نسب اربعه برقرار است؟**

رابطه عموم و خصوص مطلق . ماده اعم و مبدأ اخص است.